

طرح پیشنهادی برای آموزش معنای آیات قرآن

مسعود وکیل

آنچه در این مقاله ارائه می‌شود، عمدتاً درباره ضرورت آموزش درک و فهم معنای آیات قرآن است.

یکی از اهداف کلی آموزش قرآن باید توانایی فهم معنای عموم آیات قرآن (حداقل حدود ۷۰ درصد قرآن) باشد.

به طور کلی به نظر می‌رسد، غیر از جنبه‌های عاطفی، انس با قرآن کریم و هدف‌های به اصطلاح پرورشی درس قرآن و فعالیت‌های فوق برنامه مربوط به آن، آنچه که بیش‌تر از نظر هدف‌های شناختی و مهارتی از آموزش قرآن مورد نظر است، در سه محور زیر خلاصه می‌شود:

۱. توانایی روخوانی و روان‌خوانی تمام قرآن کریم (صحت قرائت).
۲. توانایی درک و فهم معنای آیات قرآن (حداقل حدود ۷۰ درصد).

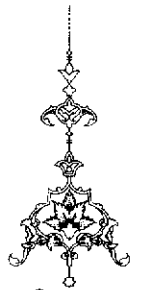
۳. آشنایی با مهم‌ترین معارف قرآن کریم.

دستیابی به این سه هدف اساسی باید از ابتدای آموزش تا پایان آن در برنامه‌ریزی لحاظ شود. با توجه به توانایی‌ها و ویژگی‌های متفاوت دانش‌آموزان در دوره‌ها و پایه‌های گوناگون تحصیلی، ضمن همراهی موزون و حساب شده این سه محور، به نظر می‌رسد که هدف اول محور اصلی برنامه آموزشی قرآن در دوره ابتدایی، محور دوم در دوره راهنمایی و محور سوم در دوره دبیرستان است. بدیهی است که تقویت و تکمیل هر یک از این هدف‌ها باید در دوره‌های بعدی کاملاً لحاظ شود. اصولاً در طرحی که متکفل آموزش جامع قرآن باشد، این ارتباط موزون هدف‌ها با یکدیگر، در برنامه‌ریزی آموزشی کاملاً ضروری است.

آیا دستیابی به هدف‌های پیشنهادی ممکن است؟

به نظر ما این هدف‌ها حداقل هدف‌هایی هستند که در سطح آموزش عمومی، دستیابی به آن‌ها برای عموم آحاد جامعه به عنوان یک مسلمان، کاملاً ضروری‌اند. نکته قابل توجه آن که





اگر درس قرآن بخواهد به عنوان یک ماده درسی جدی مورد توجه باشد و در طول ۱۲ سال آموزش پیگیری شود و تمام نیازهای اصلی آن در یک برنامه آموزشی حساب شده، شامل: هدف‌ها، روش‌ها، معلم دارای صلاحیت، کتاب، وسایل کمک آموزشی، فناوری آموزشی مناسب و نظام صحیح ارزش‌یابی، تهیه و تدارک دیده شود، در وهله اول این درس باید از یک مجموعه هدف‌های قابل توجه برخوردار گردد. شاید بسیاری از مشکلات موجود درباره عدم موفقیت این درس از آن‌جا نشأت گرفته است که این ماده درسی از تعریف هدف‌های مناسبی برخوردار نیست و در نتیجه از آغاز سبک تلقی شده است. به دنبال این نقص، تصور شده، هر معلمی می‌تواند از پس این برنامه و محتوا برآید؛ پس نه به رشته جداگانه‌ای در تربیت معلم نیاز دارد و نه به سایر لوازم یک برنامه آموزشی جدی! البته ما در این‌جا در مقام بررسی مشکلات

محروریت از
درک معنای آیات قرآن،
دور ماندن از حداقل
تعلیم این کتاب عزیز است

این درس نیستیم، فقط می‌خواهیم این نکته روشن شود که سبک گرفتن هدف‌های یک درس نه تنها زمینه دستیابی به هدف‌ها را لزوماً فراهم نمی‌آورد، چه بسا خود عاملی برای تضعیف آن درس از نظر تأمین سایر لوازم یک برنامه آموزشی موفق گردد و نتیجه آن شود که امروز با آن روبه‌رو هستیم.

نکته بسیار مهم دیگر آن که بنا بر قانون اساسی، زبان عربی از آن‌رو که زبان قرآن کریم و دین مبین اسلام است، باید از آغاز دوره راهنمایی تا پایان دبیرستان در تمام رشته‌ها و پایه‌ها تدریس شود. این میزان آموزش حداقل ۳۶۰ ساعت آموزش را شامل می‌گردد. از این‌رو، درس عربی باید به عنوان بهترین زمینه برای فهم قرآن به کار گرفته شود. خوشبختانه اصلاح این امر در ماه‌های اخیر از جانب مقام معظم رهبری مورد تذکر و تأکید خاص قرار گرفته است و آن‌طور که به نظر می‌رسد، آموزش و پرورش نیز به‌طور جدی این تغییرات و اصلاحات را در دستور کار برنامه‌ریزی درسی عربی و مؤلفان این کتاب‌ها قرار داده است.

با توضیحات فوق، تردیدی باقی نماند که ضمن بهره‌گیری از درس عربی، دستیابی به هدف‌های ذکر شده برای درس قرآن کاملاً ممکن است.

معرفی یک تجربه:
کتاب «آموزش ترجمه و مفاهیم

قرآن، جلد ۱ تا ۸» این کتاب به دنبال تجربه‌های قبلی، مانند مجموعه درس‌های «کلیدهای فهم زبان قرآن»، تنها یک گام و تجربه در جهت امکان آموزش درک و فهم معنای آیات قرآن است. ضمن معرفی این مجموعه متذکر می‌شود، بسیار بدیهی است با بذل توجه به مباحث قبل و تصویب هدف‌های دقیق و کامل آموزش قرآن، باید تمام لوازم این برنامه آموزشی مانند تربیت معلم، تهیه و تألیف محتوا و کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی، تدوین نظام مناسب ارزش‌یابی و... مجدداً مورد بررسی و بازسازی قرار گیرد.

پیش از ورود به موضوع اصلی این مقاله، یعنی «ضرورت آموزش درک و فهم معنای آیات قرآن»، تنها به عنوان ارائه یک تجربه، دو کتاب فوق خدمت همه علاقه‌مندان و برنامه‌ریزان درس قرآن تقدیم می‌شود. توضیحات بیش‌تر درباره هدف‌ها، روش‌ها و اصول تألیف این دو جلد کتاب به فرصت مناسب دیگری موکول می‌شود.

ضرورت آموزش درک و فهم معنای آیات قرآن کریم در کشور ما، تلقی رایج از آموزش قرآن کریم، غالباً آموزش قرائت است. از این‌رو، آموزش درک و فهم معنای آیات قرآن مورد توجه جدی قرار نگرفته و به میزان کافی روش‌های متنوع و مناسبی برای

آن ارائه نشده است. هر عموم مراکز آموزشی و فرهنگی که دست اندرکار امر آموزش قرآن هستند نیز برای آموزش درک و فهم معنای آیات قرآن، برنامه ریزی مطلوبی صورت نگرفته و بهای لازم به آن داده نشده است.

قرآن کریم سخن و پیام روشن خداوند برای همه مردم است. قرآن چنین می فرماید:

«هذا بیان للناس .»

«هذا بلاغ للناس .»

«هذا بصائر للناس .»

راه استفاده از هر سخن و پیامی، شنیدن یا خواندن آن است. شنیدن یا خواندن به طور طبیعی شامل درک و فهم است و بدون آن، شنیدن یا خواندن به درستی انجام نمی شود. برای دریافت پیام الهی و آشنایی با سخن خداوند نیز باید قرآن کریم را بشنویم یا بخوانیم و این شنیدن یا خواندن باید به طور طبیعی همراه با درک و فهم باشد.

این تذکر در آغاز نوشتار حاضر ضروری است که ما نمی گوئیم اگر افرادی همراه با قرائت قرآن قادر به فهم معنای آیات کریم نیستند، پس قرآن را به همین سبک رایج نیز قرائت نکنند، یا هیچ گونه اثر تربیتی و یا پاداشی بر کارشان مترتب

نیست؛ بلکه به نظر ما این کار به دلایل گوناگون مفید است. از جمله آن که قرائت متن قرآن کریم - حتی بدون درک معنای آیات - دست کم «ذکر» است؛ ذکری که هر مسلمان، با توجه به آشنایی به شأن و جایگاه

قرآن کریم در دین مبین

اسلام، می تواند به

دنیال قرائت معمولی

از آن بهره مند شود.

صرف نظر از این

مسأله، در این نوشتار

سخن بر سر این است

که حداقل آموزش

قرآن برای عموم افراد

جامعه باید از چه

سطحی برخوردار

باشد. مدعا این است

که علاوه بر توانایی

قرائت صحیح - به

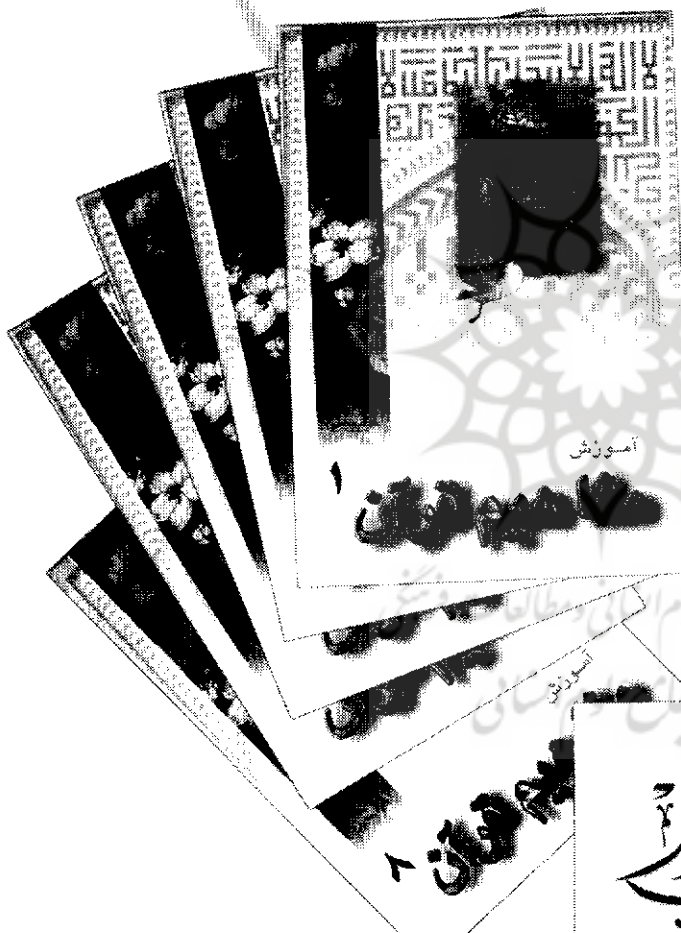
سبک رایج - درک

معنای آیات قرآن برای عموم افراد جامعه، اولاً ضروری و ثانیاً ممکن است.

با توجه به دلایل و توضیحاتی

که خواهد آمد، روشن می شود که

محرومیت از درک معنای آیات



قرآن، دور ماندن از حداقل تعلیم این کتاب عزیز است و توانایی روخوانی و روان خوانی قرآن مجید هر چند مفید و ارزشمند است، ولی نمی تواند به عنوان حداقل آموزش عمومی قرآن کریم تلقی شود.

اینک برخی از دلایل مربوط به ضرورت آموزش فهم آیات قرآن بیان می‌شود.

۱. معنای قرائت

گذشته از بحث‌های نسبتاً مبسوط علمای لغت و تفسیر قرآن کریم در مورد معنای ریشه این کلمه، همه بر این امر اجماع دارند که حداقل آنچه قرآن کریم از این کلمه و مشتقات آن منظور دارد، همان خواندن و تلاوت آیات است؛ آیاتی از قبیل «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» و «فَأَقْرَأْ وَ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...» دلالت بر خواندن و تلاوت آیات دارد. خواندن در هر زبانی، متضمن فهم مطالب خوانده شده است. خواندن یک متن، چه همراه با تلفظ حروف و کلمات - آهسته یا بلند - باشد، و چه به اصطلاح چشم خوانی باشد، جزء لاینفک آن، فهم مطالب خوانده شده است. هیچ دلیلی وجود ندارد که خواندن و قرائت قرآن کریم از این امر مستثنا باشد. مجدداً این تذکر ضروری است که سخن بر سر معنای قرائت است؛ سؤال این نیست که اگر بدون توجه به معنا و به شکل خاصی قرائت قرآن کریم انجام شد، آیا آن قرائت مفید و دارای اثر، اجر و ثواب است یا خیر؟ از این رو، وقتی در برابر این گونه آیات قرآن قرار می‌گیریم و می‌خواهیم درکی صحیح از مفهوم قرائت قرآن داشته باشیم، قرائت و اجزای

لاینفک آن را باید چه بدانیم؟ به نظر ما، فهم معنای اولیه (منسطوق) آیات، جزء جدایی‌ناپذیر قرائت است. در واقع، قرائت بدون این امر فاقد یکی از اجزای ذاتی خود است. به طور خلاصه:

قرائت = تلفظ کلمات و عبارات + فهم اولیه کلمات و عبارات

۲. عدم سفارش یا توصیه نسبت به فهم اولیه معنای آیات

تا آن جا که جست‌وجوی ما اجازه می‌دهد، در هیچ آیه و روایتی به فهم آیات قرائت شده دستور و یا توصیه نشده است. به تدبیر، تفکر و تعقل در آیات امر شده است، ولی هیچ‌جا نفرموده‌اند، وقتی آیات قرآن را قرائت می‌کنید، معنای آن‌ها را نیز بفهمید!

به نظر می‌رسد امر به یک موضوع، زمانی معقول است که تخطی از آن ممکن باشد. اگر کاری به طور طبیعی و بدیهی به وقوع می‌پیوندد و ترک آن عادتاً ممکن و معمول نیست، به انجام آن امر نمی‌شود. خواندن متنی بدون برقراری هیچ‌گونه ارتباط معنایی با آن متن، عادتاً ممکن نیست. در نتیجه، امر به این موضوع بی‌فایده و بی‌معناست. می‌توان قرآن را تلاوت کرد، اما در معانی آن تدبیر نداشت؛ از این رو در خود آیات شریفه و در بسیاری از روایات به تدبیر در قرآن کریم امر شده است. ولی عادتاً

ممکن نبوده است که آیاتی از قرآن قرائت شود و قرائت به طور طبیعی اتفاق بیفتد، اما معنای اولیه آیات قرائت شده فهمیده نشود. از این رو، هیچ ضرورتی نداشته است که این مسأله مورد امر یا توصیه واقع شود. این موضوع دلیل بر آن است که فهم اولیه معنای آیات، جزئی از قرائت است و هر دستوری نسبت به قرائت به طور طبیعی و ضمنی (تضمن) بر فهم آیات نیز دلالت دارد. اگر فهم اولیه جزئی از قرائت نبود، قاعدتاً باید به نوعی نسبت به این موضوع امر و یا توصیه‌ای وارد می‌شد. آیه شریفه زیر نیز می‌تواند مؤید این مطلب باشد.

«...لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...»^۳ زمانی که مست و بی‌هوش هستید، به نماز نزدیک نشوید تا وقتی که بفهمید چه می‌گویید.

ظاهراً فقط انسان مست یا خواب است که ممکن است چیزی بگوید یا بخواند، ولی نفهمد چه می‌گوید یا چه می‌خواند. اما از یک انسان هشیار بعید است که چیزی را بگوید یا بخواند، اما نفهمد که چه می‌گوید یا چه می‌خواند!

۳. حدیث شریف مراتب قرآن از حضرت امام حسین، سیدالشهدا و همچنین حضرت امام صادق (علیهما السلام) حدیث مشهوری نقل شده که در آن، برای قرآن چهار مرتبه یا سطح بیان شده چنین است: «کتاب الله عزوجل علی اربعة

اشیاء: علی العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق. فالعبارة للعوام و الاشارة للخواص و اللطائف للاولیاء و الحقائق للانبياء.

همان طور که از دقت در این حدیث شریف به دست می آید، عبارات قرآن برای عموم مردم است. منظور از عبارات چیست؟ آیا جز همان ظاهر کلمات که قرائت می شود و همان معنای اولیه که از این کلمات و عبارات فهمیده می گردد چیز دیگری می تواند باشد؟ توضیح

بیش تر آن که اگر همان قرائت و تلاوتی را که عموم مردم ما از قرآن دارند، عبارات قرآن بدانیم، باید قرائت همراه با فهم آیات، مرتبه بالاتری از آن باشد و قاعدتاً مطابق حدیث شریف، این مرتبه باید «اشارات» باشد؛ در حالی که این امر قطعاً صحیح نیست. یعنی فهم اولیه معنای یک آیه و یا یک متن، «اشارات» آن متن نامیده نمی شود.

و اگر قرائت همراه با فهم آیات را همان «عبارات» قرآن بدانیم - که همین گونه نیز هست - آن وقت معلوم نیست آنچه که عموماً به عنوان قرائت و تلاوت در جامعه ما انجام می شود، چه سطحی از قرآن است که حتی در پائین ترین سطح قرآن که حدیث شریف آن را «عبارات» نامیده است، نمی گنجد!

و این چیزی نیست مگر اثبات مدعای مورد نظر. یعنی به راستی اولین سطح بهره گیری از قرآن کریم قرائت آیات است؛ اما قرائتی که باید

به طور طبیعی متضمن فهم اولیه آیات باشد.

باز یادآور می شویم که ما نیز معتقد هستیم، اگر کسی فقط به آیات نورانی قرآن نگاه کند

- همان طور که در

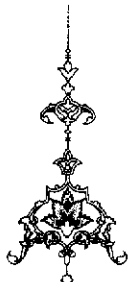
احادیث شریف آمده است - یا

قرآن کریم را بخواند و هیچ چیزی از معنای آن نفهمد، از آن جا که این امر خود نوعی «ذکر» است، مفید می باشد؛ ان شاء الله ثواب هم دارد و آثار مفید تربیتی نیز به همراه خواهد داشت. ولی سخن بر سر مسأله مهم دیگری است که متأسفانه به علل متفاوت - که اکنون جای بحث آن نیست - از شدت وضوح و بداهت، این چنین مورد غفلت واقع شده است و باید این چنین بر وجود این آفتاب تابان، از جای دیگری در جستجوی دلیل و برهان بود!

ما که از تعلیم قرآن کریم سخن می گوئیم و آیات و روایات بسیاری را در فضیلت این امر مهم و ارزشمند نقل می کنیم، باید خوب بدانیم که منظور از تعلیم قرآن چیست، اولین سطح عمومی آن چه باید باشد و چگونه همه مربیان و مدرسان شیفته تعلیم قرآن باید به این امر ضروری همت گمارند ما باید مسأله را به خوبی بشناسیم، برای قرآن آموزان

چه خوب است، ضرورت فهم معنای آیات قرآن کریم به قرآن آموزان نیز تفهیم شود، تا ایشان نیز از استادان عزیز خود بخواهند که پس از گذراندن چه مراحلی در محضر شما می توانیم علاوه بر قرائت صحیح و زیبای قرآن، به طور نسبی معنای آیات شریفه را نیز درک کنیم!

در سنین گوناگون و با اطلاعات و توانایی های متفاوت، برنامه های آموزشی صحیح و مفید طراحی و اجرا کنیم و تا این آموزش به اولین سطح قابل قبول نرسیده است، آن را تمام شده نپنداریم و قرآن آموزان خود را به برنامه دیگری ارجاع ندهیم. به نظر ما هیچ آموزش قرآنی تا قبل از دستیابی به صحت قرائت قرآن کریم و توانایی برای درک معنای عموم آیات قرآن، نمی تواند تمام شده تلقی شود. چه خوب است این امر حتی به قرآن آموزان نیز تفهیم شود و ایشان از استادان عزیز و گرانقدر قرآن خود بخواهند و پرسند که: «پس از گذراندن چه دوره ها و مراحل در محضر شما می توانیم قرآن را به طور نسبی و در حد قابل قبول، زیبا و صحیح قرائت کنیم و معنای عموم آیات آن را درک کنیم؟» تا ان شاء الله پس از این مرحله زمینه انس هر چه بیش تر با



قرآن کریم و تدبر در آیات و توفیق هر چه بیش تر عمل به دستورات الهی برای تمام آحاد جامعه فراهم آید.

دو نکته

۱. در این مقاله بر درک معنای اولیه آیات قرآن کریم تأکید شده است. این درک هم مقدم بر ترجمه اصطلاحی است و هم بسیار ساده تر از آن. از این رو، تمام مباحث فنی و دقیقی که

در مورد ترجمه قرآن کریم به ویژه در سال های اخیر مورد گفت و گو واقع شده است، از بحث ما خارج است. بدیهی است که لازمه درک دقیق تر، عمیق تر و کامل تر پیام و کلام الهی، قبول زحمات بیش تر و تحصیل علوم مربوطه، از جمله ادبیات عرب و... است. اما درک معنای اولیه عموم آیات قرآن که لازمه حداقل انس با پیام الهی است، از راه های ساده و غیر تخصصی ممکن است. با توجه به تجربیات و اطلاعات موجود به نظر می رسد، در صورت برنامه ریزی صحیح و به ویژه بهره گیری از ارشادات اخیر مقام معظم رهبری در مورد جهت دادن هر چه بیش تر به درس عربی دوره راهنمایی و دبیرستان برای فهم قرآن، و هم چنین تألیف کتاب های مناسب آموزش قرآن با هدف جامع مورد بحث در این مقاله، بتوان در دوره تحصیلی راهنمایی گام های مفیدی در این



راستا برداشت و در سال های دوره دبیرستان، به توسعه و تحکیم این توانایی پرداخت؛ به نحوی که در پایان دوره دبیرستان به این هدف مقدس به میزان قابل توجهی دست یافت.

۲. آنچه در این میان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، پیدایش باور عمومی نسبت به ضرورت و امکان این امر، تأکید علمای برجسته دینی بر آن و اقدام جسدی دست اندرکاران آموزش قرآن در بخش های خصوصی و دولتی و به ویژه در آموزش و پرورش، برای طراحی برنامه های آموزشی صحیح و مفید است.

آخرین کلام آن که خوشبختانه از گذشته برای آموزش فرائد قرآن به سبک رایج، طرح ها و شیوه های متفاوتی موجود بوده است که البته بازنگری و اصلاح آن ها ضروری است. اما متأسفانه برای آموزش

جامع قرآن که شامل فهم و درک معنای آیات نیز باشد، برنامه و روش های مفید و متنوعی وجود ندارد. البته برخی از تلاش ها و تألیفات از قبل انجام شده، مفید و قابل استفاده است.

در چند سال اخیر، مجموعه درس هایی تحت عنوان «آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن» به کمک جمعی از علاقه مندان تألیف و تنظیم شده است که تاکنون هشت جلد از آن، شامل ۶۴ درس، به چاپ رسیده است. این مجموعه دروس در کنار نظرات و ادعاهای بیان شده در این مقاله، حداقل سیمایی از آموزش درک و فهم معنای آیات قرآن را ترسیم می کنند. این امر می تواند علاوه بر باور بیش تر به ضرورت این آموزش، امکان آن را نیز در ذهن دست اندرکاران آموزش قرآن تقویت کند. امید است تلاش ها و تجربیات آینده علاقه مندان و دست اندرکاران آموزش قرآن، این گام های اولیه را به مقصدی برسانند که گوشه ای از ادای حق و دین آن ها به کودکان، نوجوانان، جوانان و مردم عزیز کشورمان باشد.

زیر نویس

۱. به ترتیب: آل عمران ۱۳۸، ابراهیم ۵۲، جاثیه ۲۰.
۲. به ترتیب: علق ۱، مزمل ۲۰.
۳. نسا ۴۳.
۴. بحار الأنوار، چاپ بیروت، جلد ۸۹، ص ۲۰ و ۱۰۳، به نقل از تفسیر موضوعی قرآن مجید، آیت الله جوادی آملی، ج ۱، ص هفده.